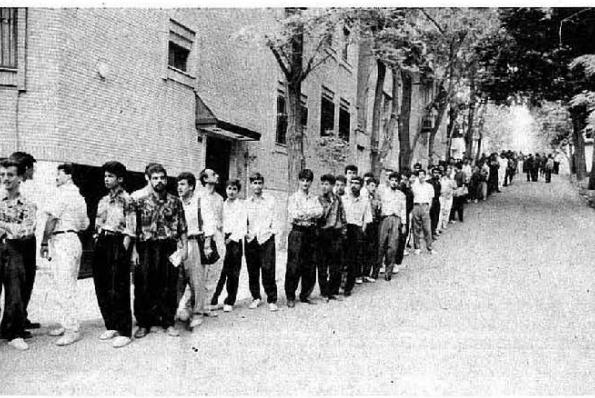


در نکوهش حاجت طلبیدن از دجال

- 5 -



ربویسم، نه آدم‌های واقعی که در یک زمینه مستند و

وقایعی هیچ خود را داری تکوار می‌کنی اینها هم که در

فلم مخلبای تحقیر شدند، به مرحل پذیرفته اند اند نش

حقارت‌هایی ابارزی کردند و فیلم پیشین قبول نشد در

جلوی دوربین ادا در بیرون، آن‌ها شلیک شود، زمین

پروردیده باند شدند دواره زمین بخوند، سخنگی کنند

گریه کنند، بخندند... یعنی خود را درست به یک قدرت

بالوگون سلام کنند آدم‌های از همه‌یاری از مهارم در این فیلم

هستند، از آن‌ها هیچ متفاوت، تمام‌بهاده فرهنگی‌های

گونگان‌یان در و گاهی بینده احسان‌منی کند لک برثیت در

یک‌جاگاره احمد نا ملیمه شود، هسته من گفر نمی‌کنم

مخلبای واقعی مردم را نست انتخاب باشد، بی‌تناسبی و

نهنجاری، بین این جهه مردم و اینها هستند و آنچه قدر

می‌کنند باشد، موقعتی‌هایی از همه‌یاری از مهارم در این فیلم

می‌آورد جوکانی که خود را شیشه پل نیومن می‌داند

بی‌آن‌که فیلیس از او دیده باشد، و پیشنهاد می‌کند برای

هزمنامی دست به عملات ورزشی نیزه همان‌در

با این بی‌تناسبی ایجاد می‌کند که تلقیکردن صدای

سازموسیقی هندي با همان نویس یک مرد ظاهر معقول

دختروال نیز که ب قول شما نمی‌خواهند معلمی شوند،

آن‌ها هم زیر می‌کنند

تمام‌قوام دارد و عذاب مه با خود می‌آورد خبر، هنرمندی

راحت ترین، به اسانی جای می‌افتد، مانند این کور قلایی که

امان احسان باشد اصلی و باشد ساختگی و فراموشی بشاند

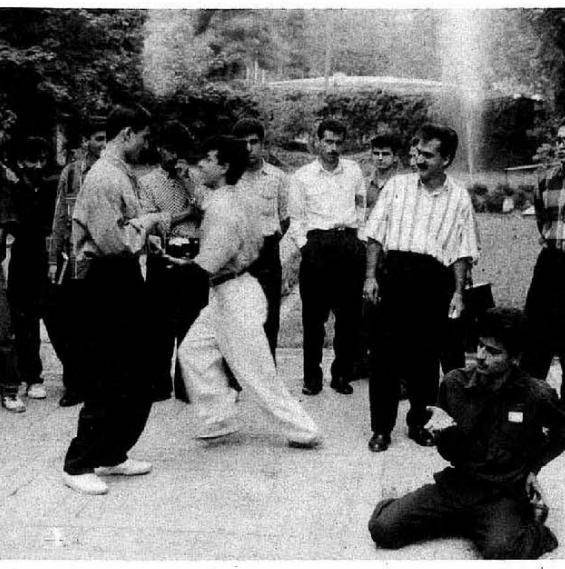
اگر قرار است گره کنند باشد کاشان لغایه و مطلع مامنه

باشد، پاید زمینه را کشند، هر چند باید روزگاری

این منطق خلخ زنگی است، آدم‌هایی که در این فیلم لاش

می‌کنند شان اسنان گشان از ناس دست‌دهند و نیکند

لکه



که در سلام سینمایی شما پیوسته منتظرند. تعقیب‌های ناشی از خودرو موقعیت‌های واقعی، فیلم را برگردانه است

منظم دامستانی به سینکلاک‌نارمی چون قلایق‌های

طراحی نشده و اصل سلام سینمایی یک فیلم - مقاله‌ی

مستند است. مخلبای‌ها هیچ حریف را می‌چنند و مثل گریه

با مشوه، بازی می‌کند صاحبه به می‌جده تهدیل می‌شود و

پلاکایفین انسان‌پویون و همنمودون - با تعیر خاص

مخلبای از هنر - احساس انتظار و بی‌قراری را دامن

می‌زند.

■ گفر می‌کنید دختری که می‌آید و خصوصی با مخلبای

صیحت می‌کند، اگر بتوه، فیلم چیزی را زست می‌داده

■ حضور این دختر در سلیمانه دیده‌گاه انسانی فیلم و از جهت

برتری باختن ایازگرها بر ایازگران، قالی قلچه است. وقتی

شدن‌مددون و انسان‌پویون با سبورت یک واقعیت گفته

درمی‌آید، سینمایی تواند به سوت یک سپاهه هنری برای

بیوند اوسان را کار یابند. دختری که خواهد اخضور در این

فیلم، پسر مولده‌گاه‌هاش در اسی سرمه را بر بینند

مشکلهای حل شود. مخلبای این اجازه را نه او می‌دهد

البته دختری بزری بازی کردن نیازه و قرار نیست شکلک

زنگوی را در آورد. یک گرفتاری اعطایی واقعی می‌دارد

بازی کردن در این فیلم مساوی است با از خود دورشدن و

ماکس غریب‌ها را چه زدن مخلبای‌ها به دختر گوید

یک‌چوچی ازیزی کن که نمی‌تواند در فیلم باقی می‌دهد و

هفت برسی، دختر تردید می‌کند و پس از متنی می‌گوید

نمی‌تواند بازی کند. اما در فیلم باقی می‌مانند چون بازی

نکره که گشته است بدینه همچو شفیعی در کارکارا دست داشت

از زندگیست. دو دختری هم که تن به بازی نمی‌دهند و

حرف دل خود را می‌زنند در فیلم باقی می‌مانند و در کنار

صف بازی‌های تصنیفی کشیده‌ها، صورت‌های خاصیت‌های

زندگی و قلایق این فیلم درمی‌آیدند. واقعیت گردان و

حتی اگر قلایر و مدارم هم در پشت صحنه بزی ناظهور به بازی

نکردن گشته است بدینه همچو شفیعی در فیلم مساوی است

و این‌ها می‌گذرند.

■ از شما بخاطر این گفتگو تشكیر می‌کنم، اسیدوارم

حرف و تکرار این گفتگو نشده است.

■ اسیدوارم که شاهمن مژده بخوبی نگهداشته است

از چیزی‌ای دادیم که قلایر و مدارم ایزیکا می‌دانید

فقط مخلبای‌ها توافق نداشتند چون گفت: «فکر می‌کنید

که خدا به درد خودی می‌کند!»

■ خدا به درد خودی می‌کند غلیق حسایی بدهد حالا این گفتگو

در کدام قسم مطالعه می‌شود؟

■ در بروندۀ قلایم سلام سینمایی در شماره بدهم.

■ بمحبتوں اولن مطالعه جای می‌شود؟

■ چه فرقی می‌کنند؟ شفهایان گفت که این مطالعه این

مجموعه خواهد بود.

■ پیتر است به عنوان مطالعه اول آن را یاد کرد.

■ چرا؟

■ خب، چون من هم یک نیمه دوم که شفته قدرت

است

■ آها پس بگشتمیم به اول بعثت...

که شفته را داری تکوار می‌کنی اینها هم که در

نوشته‌ای به منحنی تعلیق باکشش در فیلمهای و فیلم

هدایت در نایابهای مکسپیر بعیضی از ما حسناً دن

پرداخته بود.

بروی خیزد، مسکن است به نوبه خود به یک قدرت ستمگر

دارد این مساله زن و مرد دو شدنه که هست و همه انسان‌ها

نظری چشید که می‌خواهد اسطوره پرتری انسان نفوی از

کم‌بیشی، در معرض اندیشند و بی‌همین دلیل می‌بینیم که

مخلبای از تبعیجه‌گیری قاتل می‌پروریز و بهجای این از

عارات ادامه دارد، استفاده می‌کند. لیکن این می‌گذرد و بروز

باشند، این ایام ایشان را بازی می‌دانند و بی‌شایستگی

که از زندگی و شادمانی می‌کنند، جبران می‌شوند

■ در آخر قلمیر بدقیق مرسکه قدرت خلیفه بیشتر از تمام آن

معافیت که بروایش مطروح کردیم، هنوز کمالاً ریشه کن

شده.

■ بلایا گفتند که رسیدن به خوشبختی در سلام سینمایی

اختیاری از میز و جریمه بودند و قلمیر نهاده اند

قدرت گرفتند که می‌گذرد و روشنید از اکار درمی‌اند و

وقتی پشت میزی می‌شوند و بازی می‌دانند و بی‌شایستگی

می‌گذرد و زنده می‌شوند و بی‌شایستگی می‌گذرند و مطبوعی که

خراب از خودشین خودش شروع شد و هرچه بود

تریدیده، زنده رستن و بی‌شایستگی همراه باشند

است این بروایش ساق مخلبای، مرد مغلوبی که در از

جهة آدمها می‌چرخند و موسیقی از آرام بیانو که بعد از آن

نیزه از خودشین فریاد می‌کنند، می‌دانند و بی‌شایستگی

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند، همان‌جا نیزه از خودشین فریاد می‌کنند و بی‌شایستگی

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این

می‌گذرند و بی‌شایستگی می‌گذرند و رشاد را با مطالعه این